

درستایش سردار سپه

نقل از جریده جام جم شیراز

زرو زور و عزم و استقامت

غیر از زرو زور و زور و زور نیست	سرمایه عزت و سعادت
از بهر وطن ره دیگر نیست	این است ره علاج و جز این
يك گفته ژاژ بیشتر نیست	هر حکم که نیست در پیش تیغ
جز آهن بسته در کمر نیست	هر تیغ که نیست در پیش توپ
زان دشمن ملک را حذر نیست	توپ از عقب سپه نباشد
گفتند بهیچ جز بزر نیست	و آرایش هر سپه بزرگان
پیدا است که کار هر بشر نیست	و راستن سپاه با زر
سردار بزرگ نامور نیست	و اندر خور این شرافت الا
گوید به از این مرا پسر نیست	سردار سپه که مادر ملک

(حسن آزاد معذلی مستخدم عدلیه فارس)

فکاهی

از این شماره بر قسمت های مختلفه ارمغان يك قسمت فکاهی

افزوده میشود

این قسمت فکاهی - بقلم یکی از نویسندگان معروف
و زبر دست است و چون تکرار این قند در مذاق ارباب ذوق

بالطبیعه نی قند و سر چشمه شیرینی را معرفی خواهد کرد ما
از معرفی نگارنده صرف نظر کرده و قارئین عظام را فقط بخواندن
ودقت در این قسمت توصیه می کنیم .

حاشیه (منه)

فکاهیات

يك نان به دو روز اگر بود حاصل مرد !
اگر خاکه اره و سیوس نباشد باصطلاح نانوایا (لحافی)
هم نپخته باشند . تلخه هم نداشته باشد که از خوردن آن (آدم)
سر گیجه بگیرد .

وز کوزه شکسته دم آبی سرد

بشرطیکه از کمر نشکسته باشد یا مثل آفتاب مرحوم شیخ
سعدی از کمر سوراخ نباشد . هوا هم خیل گرم - مانند هوای حجاز
و عدن و حضرموت و یمن - نباشد که این کوزه آب البته
قیمتی است .

و در این هوا آب مزبور - در کوزه مزبور سرد هم نمی ماند
و گرم میشود .

يك دم هم بیشتر از این کوزه میخورند : (آدم) در این هوا
قلقلك پورا سر کشیده تانه مسانده آب از دهن کوزه صدا

نکند کوزه را زمین نخواهد گذارد.

و نماز شب هم برایش عطش نیاورده باشد که در آنوقت
دم دمه‌های نصف شب کوزه شکسته کفایت نمی‌کند. ؟
خمیره و سبوی بزرگ ؟ برای خوردن لازم است .

ممنون کم از خودی چرا باید بود ؟

... بله اگر آن نان و آن آب را او نداده باشد اگر

او داده باشد ولی نعمت است از او باید ممنون باشیم .

یا کار به از خودی چرا باید کرد

چاره نیست . برای حفظ آن يك لقمه نان و آن يك کوزه

آب هم که شده باید نو گری کرد و خدمت .

...

چشم چپ خوبستن برآرم

مشروط باینکه با با قوری باشد و در قلمبیده

تادیده نه بیندت بجز راست

بشرطیکه چشم راستم لوچ نباشد .

هنگام تنگدستی - در عیش کوش و مستی

چطور ؟ آیا ممکن خواهد شد ؟

کین کیمیای هستی - قارون کندگدارا

بله . . . اما بشرطیکه این گدا که قارون شده پول

خودش را منات یا مارك نخرد یا اگر لبره و دوهزاری است بیش

صراف ورشکسته نسپرده باشد .
یا بعضی شبها - در بعضی از گیر ورق نشان کنها
نیفتند ؟ یا بولها را به بانک روسیه نسپرده باشد .

دزد اگر خرقه صوفی ببرد مغبون است
مگر احمق شده ا !

صرفه با اوست که آسوده سبکبارانند .
در تابستان ؟ بله

اما در زمستان صرفه بحال صوفی نیست . بعلاوه هر چه روش
سنگین باشد بهتر است

شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی
فعلابقوه صنعت و علم . باستقامت کوره های میکانیکی ممکن است

نا کس بتسریت نشود ای حکیم کس !
پروفسور کاد علوم انسانی و مطالعات
ولی (العهدة علی الراوی)

گفتند مسیو (شامپه) خر سقا را رقص یاد داد
باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

مشروط بر اینکه از این باران سبل پیدا نشود و این سبل از
رودخانه در بند کثافت و زباله هارا جمع نکند . در این صورت
این باران برای زراعت کود قابلی است .

درباغ لاله روید و در شوره زار خس

ولی اگر نخم خس و خار را در باغ بردی آن جا هم خس
زار خواهد شد.

باغ هم بیخود باغ نشده اولاً

زمین غیر مستعد . تقریباً زمین شوره زار بوده باغبان
بی چاره این قدر خس و خار آن را وجین کرده آن قدر زمین
باغ برگردانده و خلاصه جان کنده تا باغ شده باغ حاضر و
آماده مثل باغ بهشت (ن)

آثار انجمن ادبی ایران

تر طبع آقای ادیب السلطنه رئیس انجمن

زدشمنان نکم شکوه گر دلم خستند ز دوستان گله دارم که عهد بشد است
چه جرم رفت ندانم ز ما که مغ چچگان بروی ما در میخانه را فرو بستند
بحکم مفتی شهر ارسبوی می بشکست ^{انسانی و مطالبات} چه غم بود که حریفان بیوی می مستند
فدای همت آزادگان و درویشان ^{علو} که پشت پابدو عالم زدند و وارستند
جهان همشه نباید پایمردی عقل هنوز مردم دیوانه در جهان هستند
خالل بیزم محبت از آن زمان افتاد که خوب بود بهم آمیختند و پیوستند
مده دست کسانی متاع رایج خویش که بیوقوف و سبک مایه و تهی دستند
کی آگهند ز دلهای دردمند آنان که ساعتی بپراهل درد نشستند
عطا علاقه دل با جماعتی پیوند که از محبت دنیا علاقه بگستند